فصلنامۀ روان‌شناسی سلامت و رفتار اجتماعی، شمارۀ پیاپی ۱۳، دورۀ۴، شمارۀ ۱، بهار۱۴۰۳

https://sanad.iau.ir/Journal/hpsbjournal/Article/1074169

تاریخ دریافت :۱۴۰۲/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش :۱۴۰۳/۰۱/۲۱ تاریخ انتشار:۱۴۰۳/۰۲/۲۶

صفحه: ۲۱-۳۴

پیش‌بینی رضایت‌زناشویی بر اساس قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود

عطیه سادات موسوی[۱]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش¬بینی رضایت¬زناشویی بر اساس قدرت روان¬شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی افراد متأهل (زن و مرد) دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بودند. از بین آنها ۲۵۰ نفر (۱۵۰ زن و ۱۰۰ مرد) به روش نمونه‌گیری دردسترس به¬عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. به¬منظور جمع¬آوری اطلاعات از پرسشنامه¬های رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹)، قدرت روان¬شناختی ایگو استروم و همکاران (۱۹۹۷) و تمایزیافتگی خود اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸)، استفاده شد. داده¬ها با استفاده از آزمون¬های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون، تحلیل شد. یافته‌های حاصل از تحلیل داده¬های پژوهش نشان داد که بین رضایت¬زناشویی، قدرت روان¬شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود،همبستگی معنی‌دار وجود دارد (P<۰/۰۰۱). نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام، نشان داد که متغیرهای پیش¬بین شامل قدرت روان¬شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود ، می¬توانند در مجموع ۴۳ درصد از رضایت زناشویی را پیش¬بینی کند. همچنین، نتایج ضرایب رگرسیونی نشان داد که متغیرهای قدرت روان¬شناختی ایگو (ß=۰/۳۱) و تمایزیافتگی خود (ß=۰/۳۴)، نقش مستقیم و مؤثری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند. با توجه به نتایج این پژوهش می¬توان نتیجه گرفت که رضایت زناشویی با عواملی از جمله قدرت روان¬شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود در ارتباط است؛ بنابراین، برنامه¬های توانمندسازی و آموزشی با هدف افزایش قدرت روان¬شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود، می¬تواند نقش مؤثری در بهبود کیفیت زناشویی و افزایش رضایت از زندگی را به همراه داشته باشد.

کلید واژگان

ایگو، تمایزیافتگی خود، رضایت زناشویی، قدرت روان‌شناختی

[۱]. کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران sadatatiyeh@gmail.com

مقدمه

خانواده یکی از ارکان مهم جامعه است که در پیشبرد و بقاء جامعه، نقشی اساسی دارد (نجاراصل، عسگری، نادری و اسمعیل خانی،۱۴۰۰) این رکن با پیوند زناشویی زن و مرد شکل می‌گیرد (آسپارا، ویتکوسکی و لو[1]، ۲۰۱۸). خانواده را می‌توان یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط درهم تنیده‌ای دانست که از پیوند زناشویی زن و مرد، بنا نهاده می‌شود و رضایت یک فرد از زندگی زناشویی، به منزله رضایت او از خانواده محسوب می‌شود (کرمی، احمدی و قبادی، ۱۴۰۰). امروزه روابط زناشویی سالم از اهمیت خاصی برای جامعه برخوردار است؛ چراکه ارتباط سالم بین زوجین و وجود رضایت زناشویی بین آنها منجر به تربیت فرزندانی سالم و در نهایت جامعه‌ای سالم می‌گردد. داشتن زندگی رضایت‌مند یکی از پیش‌نیازهای رسیدن به آرامش و تکامل انسان است (امان الهی، اصلانی، تشکر، غوابش و نکوئی، ۱۳۹۱). بسیاری از زوجین زندگی خود را با روابط صمیمانه خوبی آغاز می‌کنند؛ اما این عشق در گذر زمان کم‌رنگ می‌شود (کیانی چلمرادی، اسدی شیشه گران، اسماعیلی قاضی ولویی و زوار، ۱۳۹۵). کاهش تدریجی دلبستگی و احساس دوری (پوکورسکا[2]،۲۰۱۶)، عدم توانایی زوجین در برآورده کردن تمام خواسته‌های یکدیگر (رحیمی بد و رضایی، ۱۳۹۴) و تعارض زناشویی (محبیان‌فر، پیراسته، حنایی، احمدی پور مهدابی و کلانتریان، ۱۳۹۸) به‌تدریج موجب کاهش انسجام خانواده و تحت تاثیر قرار گرفتن روابط زوجین می‌شود (ویلیامز، وینزات و وارجا [3]، ۲۰۲۱). یکی از تهدیدات رشد و بالندگی در زندگی زناشویی زوجین، کاهش رضایت زناشویی[4] است (ویلیامز و همکاران، ۲۰۲۱).

رضایت زناشویی یکی از عوامل مهم در ازدواج است. رضایت زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی، رضایت از ازدواج و رضایت از یکدیگر دارند. رضایت زناشویی را می‌توان نتیجه خرسندی عمومی از زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی و رضایتمندی عاطفی و هیجانی دانست (زو و جانگ[5]، ۲۰۱۸). رضایت زناشویی عبارت است از احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زوجین. رضایت زناشویی را بیشتر به صورت نگرش‌ها یا احساسات کلی فرد دربارهٔ همسر و رابطه‌اش تعریف می‌کنند، یعنی رضایت زناشویی یک پدیدهٔ درون‌فردی و یک برداشت فردی از همسر و رابطه است (پاک نیت و روشن چلسی، ۱۳۹۷). رضایت زناشویی، یکی از مفاهیم متداول برای ارزیابی شادی و ثبات در یک ازدواج است (روز، اندرسون، میلر، مارکس، هاتچ و کارد[6]، ۲۰۱۹). در حقیقت آنچه که حتی از خود ازدواج مهم‌تر است، موفقیت ازدواج و رضایت زوج‌های متأهل است که جوی سرشار از احترام، تعهد و مسئولیت بر آن حاکم است (دادو ودبیری، ۱۳۹۸). رضایت زناشویی یعنی داشتن ذهنیت خوشایند در بین زوجین از جنبه‌های مختلف ازدواجشان که مستقیماً برکیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (اکسی، شی و ما[7]، ۲۰۱۷). براساس نظریه چرخه نظام‌های زناشویی[8]، روابط رضایت‌بخش در

1. Aspara, Wittkowski & Luo
2. Pokorska
3. Williams, Weinzat & Varga
4. marital satisfaction
5. Zhou & Gong
6. Rose, Anderson, Miller, Marks, Hatch B & Card
7. Xie, Shi & Ma
8. circumplex model of marital

زندگی زناشـویی به خانواده اجازه می‌دهد تا میزان توانایی و همبسـتگی خود را در پاسخ به نیازهایی که با آن مواجه می‌شـود، تغییر دهند. در نتیجه این توانایی و همبسـتگی ایجاد شـده به واسـطه رضـایت زناشویی رفتارهایی همچون همبسـتگی[1]، انعطاف‌پذیری[2] و ارتباطات[3]، در زندگی زناشـویی تسـهیل و نارضـایتی زناشـویی را در کانون خانواده کاهش می‌دهد (السـون، دی فراین و اسـکوگراند[4]، ۲۰۱۹). رضـایت زناشویی از جمله مهم‌ترین عواملی است که بر خانواده اثر می‌گذارد و باعث حفظ زندگی زناشـویی می‌شود و همچنین تحت تاثیر عوامل مختلفی مانند خصوصیات شـخصـی افراد، بلوغ فکری، رضـایت جنسـی، دلزدگی زناشـویی و غیره قرار می‌گیرد (اکسـی و همکاران، 2018). رضایت زناشویی، جنبه‌ای بسیار مهم و پیچیده از رابطه زناشویی محسوب می‌شود؛ بنابراین، بررسی عواملی که باعث افزایش رضایت زناشویی می‌شود، بسیار مهم است. در این رابطه، یکی از متغیرهای که می تواند بر رضایت زناشویی زوجین تأثیرگذار باشـد، قدرت روان‌شـناختی ایگو[5]اسـت (شـکری، شفیغ آبادی و دوکانه ای‌فرد، ۱۳۹۹). درواقع، از آنجایی که زوجین در زندگی زناشـویی تحت تأثیر تنش‌ها و فشـارهای گوناگونی هسـتند، بررسـی قدرت ایگو برای مقابله با این فشـارها و پیش‌بینی میزان پایداری زندگی زناشـویی از اهمیت بالایی برخوردار است (صدفی، منیرپور و میرزاحسینی، ۱۳۹۹).

از نظر فروید[6] شخصـیت انسـان دارای سـه سـاختار شـامل ایـد[7]، ایگـو[8] و سـوپرایگو[9] اسـت. مـن یـا ایگـو کـه دومین ساختار شخصـیت در نظریـه فرویـد اطلـاق مـی‌شـود دراثـر نیروهـای موجـود در نهـاد بـه وجـود مـی‌آیـد (اسـتولز و چلـرث[10]، ۲۰۲۱). در رابطـه بـا اهمیـت قـدرت ایگـو، جیفلـر و کوردوبـا[11] (۲۰۱۷) معتقدنـد نیرومندی من به‌عنوان توانایی انطباق بـا خواسـته‌هـای محـیط بیـرون و سـازگاری بـا خواسـته‌هـای درونـی اسـت؛ بـه‌عبـارت‌دیگـر نیرومنـدی ایگـو باعـث فعـال شـدن مکـانیزم‌هـایی در ذهـن مـی‌شـود کـه باعـث کـم شـدن تعارض‌های درون‌روانـی مـی‌شـود کـه ایـن موضـع مـی‌توانـد در ابعـاد مختلـف زنـدگی تأثیرگـذار باشـد. قـدرت روان‌شـناختی ایگـو بـه توانـایی مـن در مواجهـه بـا مطالبـات و تعـارض‌هـای نهـاد، فـرامن و مقتضـیات محـیط و مـدیریت ایـن شـرایط اطلـاق مـی‌شـود. از ایـن نقطـه نظـر، اسـتحکام مـن بـه فـرد کمـک مـی‌کنـد تـا در شـرایط اسـترس‌زا و درمانـده‌سـاز، ثبـات و پایـداری هیجـانی خـود را حفـظ کنـد. بـرعکس، اگـر مـن از اسـتحکام کـافی برخوردار نباشد، فرد در کشاکش مطالبـات و تعـارض‌هـا گرفتـار مـی‌شـود و آشـفتگی هیجـانی را تجربـه مـی‌کنـد (سیگ و اناند[12]، ۲۰۱۵). قدرت روان‌شناختی ایگـو بـه زوجـین کمـک مـی‌کنـد تـا بـه یـک تعـادل عـاطفی دسـت یافتـه و بـا منـابع اسـترس بیرونـی و درونـی بهتـر مقابلـه کـرده و بـا آنهـا سـازگار شـوند (یانـگ-هیمـان[13] و

1. cohesion
2. flexibility
3. communication
4. Olson, DeFrain & Skogrand
5. ego strength
6. Freud
7. Id
8. ego
9. super ego
10. Stolz & Schlereth
11. Gfellner & Cordoba
12. Singh & Anand
13. Young-Hyman

همکاران، ۲۰۱۶). مطالعات انجام شده در رابطه بین قدرت روان‌شناختی ایگو و رضایت زناشویی نشان می‌دهد که افراد با قدرت روان‌شناختی ایگو بالاتر، روابط صمیمی بیشتری با همسران خود دارند، در رابطه با همسر و خانواده شان متعهدتر و مسئولیت بیشتری را احساس می کنند و از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند (سیوندیان و همکاران، ۱۳۹۴؛ کچویی و فتحی آشتیانی، ۲۰۱۳؛ لتزرینگ[1] و همکاران، ۲۰۱۵).

یکی از ویژگی‌های فردی که در اثر تجارب اولیه کودک- والد در بزرگسالی، تأثیر مهمی بر افزایش احساس رضایت زناشویی زوجین دارد، سطح تمایزیافتگی خود[2] است (کالاتراوا[3] و همکاران، ۲۰۲۲). تمایزیافتگی خود توانایی یک شخص در نگهداری استقلال خود در روابط صمیمانه با دیگران و ایجاد تعادل بین هیجانات و منطق است (پاین، جانکووسکی و ساندا‌ج[4]، ۲۰۱۶). در این راستا، بوئن[5] (۱۹۷۵) تمایزیافتگی را روی پیوستار فرضی نشان می‌دهد که در یک طرف آن تمایزیافتگی و در طرف دیگر آن هم آمیختگی با دیگران قرار دارد (میلر، اندرسون و کیلس[6]، ۲۰۰۴). افراد هم آمیخته وابستگی زیادی به والدین دارند، به شدت به تأیید و حمایت اطرافیان خود نیاز دارند و سیستم هیجانی محیط همراه با واکنش اطرافیان، شکل دهی رفتارهایشان را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می دهد. افراد تمایزیافته، به افکار و احساسات خاص خودشان واقف هستند و آن‌ها را ابراز می‌نمایند و اجباری جهت وفق دادن خود با انتظارات نامعقول دیگران احساس نمی‌کنند؛ در مقابل افراد تمایزنایافته، معمولاً از نظر عاطفی به دیگران وابسته می‌شوند و به سختی برای خود، فکر، احساس و عمل می‌کنند (هوئانگ، لیانگ، ژیکوئان، لانگ و ژائو[7]، ۲۰۱۸). در نظام زناشویی نیز وقتی تمایزیافتگی زوجین بالا باشد، احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها نیز برای زوجین بیشتر می‌شود و اضطراب، واکنش‌های هیجانی و درنهایت آمیختگی کاهش می‌یابد (لطفی سرجینی، تقی پور، میرصیفی فرد و مرادی، ۱۳۹۸). بالعکس، استفاده زوجین با تمایزیافتگی پایین از اجتناب به هنگام وقوع تعارض، به کاهش رضایت زناشویی می‌انجامد (سیمون، دیپلاسیو و کانوی[8]، ۲۰۱۹). مطالعات مختلف حاکی از آن است که سطح تمایزیافتگی خود هر یک از زوجین متقابلا بر محیط زندگی زناشویی تأثیرگذاشته و بر میزان احساس رضایت زناشویی آنها مؤثر است (قوی بازو، عبداللهی و حسینیان، ۲۰۲۲؛ جعفری سلزان آبادی، منیرپور و میرزاحسینی، ۱۴۰۰؛ مام صالحی و امیدی، ۱۳۹۹؛ کالاتراوا و همکاران، ۲۰۲۲؛ هربست-دابی، اندیولد و کاپلان[9]، ۲۰۲۱).

با توجه به آنچه بیان شد و در نظر گرفتن اینکه رضایت زناشویی می‌تواند بسیاری از نیازهای روان‌شناختی زوجین را در یک فضای امن زناشویی برآورده سازد و تأثیر به‌سزایی در بهبود

1. Letzring
2. differentiation of self
3. Calatrava
4. Paine, Jankowski & Sandage
5. Bowen
6. Miller, Anderson & Keals
7. Huang, Liang, Xiquan, Long & Zhao
8. Simon, DiPlacido & Conway
9 . Herbst-Debby, Endeweld & Kaplan

صمیمیت، تفاهم و سازگاری همسران، سلامت جسمی و روانی، پیشرفت اقتصادی، اشتغال و رفاه خانواده و بهداشت روانی اعضا داشته باشد، بنابراین تعیین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی مانند قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود می‌تواند در بهبود و ارتقاء رضایت زناشویی مهم باشد. همچنین، با توجه به اینکه عملکرد و رضایت زناشویی زوجین یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در دوام و بقاء ازدواج‌ها است، بنابراین شناسایی عوامل پیش بین آن و بهبود و ارتقا ء رضایت زناشویی در روابط بین زوجین می تواند به کاهش مشکلات و تعارضات زناشویی و بالطبع پایین آمدن آمار بالای پدیده طلاق در بین زوجین منجر گردد. از سویی دیگر، با توجه به اینکه تا کنون مطالعه‌ای به پیش‌بینی رضایت زناشویی با توجه به نقش متغیرهای قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود به صورت همزمان انجام نشده است، ضرورت انجام این مطالعه آشکار می‌شود.از این-رو، پژوهش حاضر با این فرضیه که قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود نقش مستقیم و مؤثری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند، انجام شد.

روش

این پژوهش از جمله پژوهش‌های کاربردی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی افراد متأهل (زن و مرد) دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر تهران در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰ بودند. به علت گسترده بودن و دشواری در دسترسی جامعه از یک سو و فقدان گزارش‌های رسمی در مورد تعداد زوجین دارای مشکلات زناشویی (مراجعه کننده به مراکز مشاوره)، بیان کردن حجم دقیق نمونه پژوهش امکان‌پذیر نبود. از بین آنها ۲۵۰ نفر (۱۵۰ زن و ۱۰۰ مرد) به روش نمونه‌گیری دردسترس از بین افرادی که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: داشتن حداقل ۲۵ و حداکثر ۵۵ سال، تشخیص مشکلات زناشویی توسط مشاور، داشتن سواد خواندن و نوشتن و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش. ملاک خروج نیز ارائه اطلاعات ناقص بود. روش اجرا به این صورت بود که پس از اخذ مجوزات لازم از دانشگاه و مراجعه به مراکز، ابزارهای پژوهش بعد از هماهنگی با مسئولین مراکز، ابزار پژوهش در فواصل زمانی ۳۰ دقیقه‌ای بین نمونه پژوهش توزیع و به تمامی شرکت‌کنندگان اطمینان خاطر در مورد محرمانه ماندن اطلاعات و تحلیل گروهی داده‌ها بدون ذکر مشخصات ارائه شد. در مجموع، ۳۰۰ پرسشنامه توزیع و ۵۰ پرسشنامه به دلیل نقص در پاسخگویی، حذف و از ۲۵۰ پرسشنامه تکمیل شده برای تحلیل نهایی استفاده شد. جهت تحلیل داده ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به کمک نرم افزار SPSS23، استفاده شد.

ابزار پژوهش

الف) مقیاس رضایت زناشویی انریچ (EMSS)[1]: این مقیاس در سال ۱۹۸۹ توسط السون[2]، ساخته شده است و فرم کوتاه آن شامل ۴۷ ماده خود گزارشی است. هر گویه شامل یک مقیاس ۵ درجه‌ای است (کاملاً موافقم، موافقم،

1. Enrich Marital Satisfaction Scale
2. Olson

نه موافق و نه مخالف، مخالفم، کاملاً مخالفم) که دامنه آن از ۱ تا ۵ مرتب شده است. کمترین نمره ۴۷ و بیشترین نمره ۲۳۵ است که هرچه نمره فرد بیشتر باشد نشان دهنده رضایت زناشویی بالاتر است. این مقیاس از دوازده خرده مقیاس تشکیل شده است که شامل تحریف آرمانی، خرسندی زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری مذهبی، می‌شود. در پژوهش السون و همکاران (۱۹۹۱)، ضریب همبستگی مقیاس رضایت زناشویی انریچ با مقیاس رضایت خانوادگی[1] (اولسون و ویلسون، ۱۹۸۲) از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس رضایت زندگی[2] (داینر[3] و همکاران، ۱۹۸۵) از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ بود. السون (۱۹۸۹) ضریب آلفای کرونباخ را ۹۲٪ به دست آورد. سلیمانیان (۱۳۷۳) پرسشنامه رضایت زناشویی را ترجمه و همبستگی درونی آن را ۹۵٪ گزارش کرده است. همچنین، ضریب پایایی آزمون نیز در پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) به روش آلفای کرونباخ ۹۵٪ به‌دست آمد. در پژوهش تیمورپور و همکاران (۱۳۸۹) ضریب همبستگی پرسشنامه انریچ با مؤلفه‌های رضایت خانوادگی ۰/۴۰ تا ۰/۶۰ به دست آمد که نشان از روایی این پرسشنامه است. در این پژوهش پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ به‌دست آمد.

ب) پرسشنامه روان‌شناختی قدرت ایگو (PIES)[4]: این پرسشنامه توسط استروم و همکاران (۱۹۹۷) ساخته شده است که ۸ نقطه قدرت ایگو شامل (امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد) را می‌سنجد و دارای ۶۴ سؤال است. عبارات پرسشنامه بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت به صورت کاملاً با من مطابق است نمره ۵، کمی با من مطابق است نمره ۴، نظری ندارم نمره ۳، کمی با من مطابق نیست نمره ۲ و اصلاً با من مطابق نیست نمره ۱، نمره‌گذاری شده است. شیوه پاسخ‌دهی سؤالات به صورت معکوس انجام می‌شود. بالاترین نمره‌ای که فرد می‌تواند اخذ نماید ۳۰۰ و پایین‌ترین نمره ۶۰ می‌باشد. نمره بالا در این آزمون به معنی سطح بالای قدرت ایگو است. نمره فرد در این پرسشنامه از حاصل جمع نمره فرد در سؤالات به دست می‌آید (عینی و همکاران، ۱۳۹۷). استروم و همکاران (۱۹۹۷) به‌عنوان سازندگان این پرسشنامه، روایی و پایایی این پرسشنامه را مورد بررسی قرار دادند. آنها روایی صوری، محتوا و سازه این پرسشنامه را مورد تأیید قرار دادند. همچنین، برای بررسی پایایی آن از روش محاسبه ضریب آلفای کرنباخ، آن را ۰/۶۸ گزارش کردند. الطافی (۱۳۸۸) نیز آلفای کرونباخ سیاهه را بر روی نمونه‌ای ایرانی ۰/۹۱ و پایایی دو نیمه‌سازی مقیاس را ۰/۷۷ گزارش کرد. در این پژوهش پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۵ به‌دست آمد.

ج) پرسشنامه تمایز یافتگی خود(DSI)[5]: پرسشنامه تمایز یافتگی خود اسکورن و فریدلندر[6] (۱۹۹۸) یک ابزار ۴۶ سؤالی است که بر روی طیف لیکرت ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی برای مقیاس کلی تمایز یافتگی ۰/۸۸، برای خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی۰/۸۳، جایگاه من ۰/۸۰، گریز عاطفی ۰/۸۰، هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. در پژوهش سلطانی

1. Family Satisfaction Scale
2. Satisfaction with Life Scale
3. Dyner
4. Psychosocial Inventory of Ego-Strength Questionnaire
5. Differentiation of self inventory
6. Skorown & Friedlander

(۱۳۸۷) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به‌دست آمده است که نشان دهنده بالای آن پایایی است (شریعت زاده و همکاران، ۱۳۹۲). در مطالعه نجفلوئی (۱۳۸۵)آلفای کرونباخ برای واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۱، هم آمیختگی با دیگران۰/۷۹، جایگاه من ۰/۶۴، گریز عاطفی ۰/۷۶و نمره کل مقیاس۰/۷۲گزارش شد. در این پژوهش پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ به‌دست آمد.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناسی شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان داد از بین ۲۵۰ نفر پاسخ‌دهنده با میانگین سنی آنها ۳۰/۰۶ بود. مقطع سنی ۲۹ تا ۲۷ ، ۱۳۹ نفر (۵۵/۶ درصد)؛ ۳۲ تا ۳۰ ، ۷۶ نفر (۳۰/۴ درصد) و ۳۳ تا ۳۵ ، ۳۵ نفر (۱۴درصد)، بود. از نظر سطح تحصیلات نیز ۴۰ نفر دیپلم و زیر دیپلم؛ ۱۰۷ نفر لیسانس، ۹۸ نفر دارای فوق‌لیسانس و ۵ نفر دکتری، بودند. در جدول ۱، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
رضایت زناشویی	۱۳۱/۴۴	۳/۳۹	۰/۰۹۲	۱/۴
قدرت روانشناختی ایگو	۱۹۴/۶۷	۴/۹۱	۰/۲۶۲	-۰/۵۸۱
تمایزیافتگی خود	۱۳۸/۵۶	۳/۰۸	-۰/۱۶۳	-۰/۴۲۵

نتایج چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش نشان داد که مقادیر آنها در بازه (۲- تا ۲) قرار دارد که این نشان می‌دهد متغیرها از توزیع نرمال برخوردارند. در جدول ۲، ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
رضایت زناشویی	۱		
قدرت روان‌شناختی ایگو	۰/۴۴	۱	
تمایزیافتگی خود	۰/۸۳	۰/۵۷	۱

با توجه به نتایج جدول ۲، بین رضایت زناشویی و قدرت روان‌شناختی ایگو (r=0/44، p= 0/01)، بین قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود (r= 0/57، p= 0/01) و بین رضایت زناشویی و تمایزیافتگی خود (r= 0/83، p= 0/01)، رابطه مثبت و معناداری وجود داشت.

به‌منظور پیش‌بینی رضایت‌زناشویی بر اساس متغیرهای قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود از تحلیل رگرسیون استفاده شد. از مفروضات رگرسیون عدم وجود اثر هم خطی بین متغیرهای مستقل، شاخص‌های تحمل واریانس و تورم واریانس است. مقدار شاخص تلورانس بین صفر و یک است. به ازای هر متغیر مستقل یک مقدار برای این شاخص وجود دارد، اگر مقدار این شاخص به یک نزدیک باشد نشان از این است که این متغیر با بقیه متغیرهای مستقل اثر هم خطی ندارد و اگر به صفر نزدیک باشد عکس این حالت را نشان می‌دهد (قدرت روان‌شناختی ایگو= ۰/۹۹ و تمایزیافتگی خود= ۰/۹۸).

هم‌چنین شاخص VIF نیز در صورتی نشان از تأئید عدم وجود اثر هم خطی بین متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که مقداری کمتر از ۲ اختیار کند (p<۰/۰۵) که در این پژوهش میزان آن برای متغیرهای قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود به ترتیب ۱/۷۶و ۱/۹۶، به‌دست آمد. همچنین، مقدار عددی آزمون دوربین/ واتسون، ۱/۹۸ به‌دست آمد که بیانگر استقلال خطاها است، یعنی خطاها هیچ همبستگی با هم ندارند. مقدار مناسب برای آزمون دوربین/واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ است. بنابراین، با توجه به این که فرض نرمال بودن خطاها و استقلال خطاها برقرار بود. همچنین از طرف دیگر، مفروضه هم‌خطی متغیرهای مستقل پژوهش رد شد، می‌توان گفت که پیش‌فرض‌های رگرسیون رعایت شده است و می‌توان به‌منظور پیش‌بینی رضایت‌زناشویی بر اساس متغیرهای قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود از تحلیل رگرسیون استفاده کرد.

با توجه به این‌که متغیرهای قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳، ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام

گام	متغیر پیش‌بین	R	R۲	R	F	df ۱	df ۲	احتمال
۱	قدرت روان‌شناختی ایگو	۰/۵۷	۰/۳۲	۰/۳۲۴	۴۷/۳۶	۱	۲۴۸	۰/۰۰۱
۲	قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود	۰/۶۶	۰/۴۳	۰/۱۱۱	۳۹/۰۸	۱	۲۴۷	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول ۳، در گام نخست، قدرت روان‌شناختی ایگو بیشترین نقش را در پیش‌بینی رضایت زناشویی داشت. ضریب همبستگی این متغیر با رضایت زناشویی ۰/۵۷ بود و ۳۲ درصد از تغییرات رضایت زناشویی به وسیله قدرت روان‌شناختی ایگو قابل تبیین است. در گام دوم، پس از قدرت روانشناختی ایگو، متغیر تمایزیافتگی خود وارد معادله رگرسیون شد. ضریب همبستگی این دو متغیر با رضایت زناشویی، ۰/۶۶ و بیانگر آن بود که ۴۳ درصد از تغییرات رضایت زناشویی از طریق این دو متغیر قابل پیش‌بینی است. در واقع، ورود متغیر تمایزیافتگی خود در معادله رگرسیون توانسته است به میزان ۱۱ درصد توان پیش‌بینی را افزایش دهد.

جدول ۴. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد و همبستگی تفکیکی و نیمه تفکیکی متغیرها در معادله رگرسیون گام به گام

مدل	متغیر پیش‌بین	ضرایب رگرسیون		مقدار احتمال	همبستگی		
		غیر استاندارد ß	استاندارد شده Beta		صفر مرتبه	تفکیکی	نیمه تفکیکی
	قدرت روان‌شناختی ایگو	۰/۹۷	۰/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۲۴
	تمایزیافتگی خود	۱/۰۲	۰/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۴۸	۰/۴۱	۰/۳۸

باتوجه به نتایج جدول ۴، ، قدرت روان‌شناختی ایگو (ß=۰/۳۱) و تمایزیافتگی خود (ß۰/۳۴) در سطح ۰/۰۰۱، نقش مستقیم و مؤثری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف پیش‌بینی رضایت‌زناشویی بر اساس قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود انجام شد. یافته حاصل از پژوهش نشان داد که قدرت روان‌شناختی ایگو قادر به پیش بینی رضایت زناشویی است. این یافته با نتایج مطالعات شکری و همکاران (۱۳۹۹)؛ سیوندیان و همکاران (۱۳۹۴)؛کچویی و فتحی آشتیانی (۲۰۱۳) و لتزرینگ و همکاران (۲۰۱۵)، همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که قدرت روان‌شناختی ایگو بر اساس نظریه های تحولی گستره عمر، یک فرایند مهم در توسعه شخصیت بالغ برای برقراری روابط دوستانه شناخته شده است. برقراری و حفظ روابط صمیمی، در حال حاضر نگرانی عمده متخصصان مشاوره خانواده و ازدواج است. بر اساس نظریه اریکسون شخصیت بالغ و کارا جهت برقراری روابط صمیمانه در گرو حل موفقیت آمیز بحران‌های مراحل مختلف تحول و کسب نیرومندی‌های من است. از سوی دیگر، با توجه به اعتبار فراوان نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون و بطور کلی نظریه گستره عمر، که موفقیت در یک مرحله را متضمن حل موفقیت آمیز بحران آن مرحله و مراحل پیشین می‌داند (سیگ و اناند، ۲۰۱۵)، افرادی که نیرومندی من بالاتری دارند، قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته و در نتیجه رضایت زناشویی بالایی را تجربه می‌کنند. همچنین، افراد دارای نیرومندی من قوی‌تر، رابطه صمیمی‌تری با همسر خود برقرار می کنند، به همسر و خانواده خود وفادار و پایبند می‌مانند، و در قبال ترتیب و رشد فرزندان احساس مسئولیت می‌کنند. این افراد در اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن توانمندتر هستند. لتزرینگ و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند نیرومندی من با شناخت خود همراه است؛ این بدین معنی است که فردی که نیرومندی من بالایی دارد، قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کرده و نیازهای خود را به شکل موثرتری به همسر خود ابراز نماید که این موضوع در افزایش رضایت زناشوئی نقش مهمی دارد. زوجینی که از قدرت روان‌شناختی ایگو بالایی برخوردار باشند، توانایی کنترل و تنظیم سائق های غریزی خود را دارند و برای اداره ی مناسب تخلیه فشار امیال غریزی از توانایی خود استفاده می کنند و می‌تواند بین دنیای درون و

دنیای بیرون بطور منطقی و درست ارتباط برقرار کند به شکلی که سلامت روان خود را حفظ کنند و دچار تعارض زناشویی نشوند (کچویی و فتحی آشتیانی، ۲۰۱۳).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که تمایز یافتگی خود قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی است. این یافته با نتایج مطالعات قوی بازو و همکاران (۲۰۲۲)؛ کالاتراوا و همکاران (۲۰۲۲) و هربست-دابی و همکاران (۲۰۲۱)، همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که تمایزیافتگی خود از همان ابتدا از خانواده اصلی رشد می‌کند و تا حد زیادی به نوع الگوهای ارتباطی فرد با اعضای خانواده اصلی مربوط می‌شود که این الگوها بر اساس رمزگردانی و رمزگشایی پیام‌هایی که بین افراد خانواده رد و بدل می شود شکل گرفته و به شدت تحت تاثیر پویایی ها و تعاملات بین اعضای خانواده قرار دارد. متاسفانه بسیاری از زوجین به دلیل امتزاج شدیدی که با خانواده مبدا خود دارند این مجال و اجازه را به آنها می‌دهند که از همان روزهای اول زندگی مشترکشان اعضای خانواده اصلی در زندگی زناشویی آنها دخالت کنند، به‌طوریکه هرچه امتزاج زوجین با خانواده مبداء بیشتر باشد احتمال وجود اضطراب، بی ثباتی، ناسازگاری و تعارضات زناشویی بیشتر خواهد بود. از سویی دیگر، زوجین تمایز یافته در زندگی خود هدفمند و اخلاق‌مدار هستند، از عقاید و باورهایشان مطمئن هستند در نتیجه تنش‌های کمتری را تجربه می‌کنند و ذهنشان درگیری اضافی و بالایی ندارد، همدیگر را بدون قید و شرط و قضاوت، می‌پذیرند و به هویت همسر خویش احترام می‌گذارند. آنها مسئولیت خود را تمام و کمال می پذیرند و از مسئولیت‌دهی اضافی به همسر خویش اجتناب می‌کنند. این افراد توانایی این را دارند که برای رشد، رنج و ناراحتی را تحمل کنند، نقاط قوت خود را بشناسند و حتی برای شناخت نقاط قوت همسر خویش به وی کمک می‌کنند. همچنین، می‌توانند احساسات خود را مدیریت کنند و با توجه به تجربه‌های مناسب و اثر بخش رابطه برقرار کنند و بدنبال تغییر دادن همسر خویش نباشند (هربست-دابی و همکاران، ۲۰۲۱).

در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که رضایت زناشویی در زوجین با عواملی از جمله قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود در ارتباط است؛ بنابراین، برنامه‌های توانمندسازی و آموزشی با هدف افزایش قدرت روان-شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود زوجین، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود کیفیت زناشویی و افزایش رضایت از زندگی را به همراه داشته باشد. این پژوهش نیز مانند سایر مطالعات با محدودیت‌هایی روبرو بود. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به روش نمونه‌گیری دردسترس، اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود تا در مطالعات آتی، پژوهشگران از روش نمونه-گیری تصادفی استفاده کرده و جامعه بزرگ‌تری را مورد مطالعه قرار دهند. در مجموع با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که متغیرهای قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی را در زوجین دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا روان‌شناسان و مشاوران خانواده با استفاده از برنامه‌های مداخلاتی و آموزشی قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود زوجین دچار تعارضات زناشویی را افزایش داده تا بدینوسیله تعارضات زناشویی بین آنها را کاهش داده و ثبات ازدواج را پدید آورند و از آسیب طلاق پیشگیری کنند. همچنین، به مشاورینی که افراد پیش از ازدواج به آن‌ها مراجعه می‌کنند، پیشنهاد می‌شود تا زوجین را از نظر سطح قدرت روان‌شناختی ایگو و تمایزیافتگی خود، مورد ارزیابی قرار دهند و آگاهی و آموزش‌های لازم در این خصوص ارائه دهند.

سپاسگزاری

در پایان برخود لازم می‌دانیم تا از تمامی افرادی که در این پژوهش به‌عنوان مشارکت کننده، محقق را یاری رساندند نهایت قدردانی را به‌عمل آوریم.

منابع

امان الهی، عباس.، اصلانی، خالد.، تشکر، هاجر.، غوابش، سعاد.، و نکوئی، سمیه. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. *مطالعات زنان*، (۱۰)۳، ۸۶-۶۷.

جعفری سلطان آبادی، آرزو.، منیرپور، نادر.، و میرزاحسینی، حسن. (۱۴۰۰). ارتباط بین حس خوشبختی زوجین با تمایزیافتگی خود و روابط موضوعی اولیه با نقش میانجی رضایت زناشویی مذهبی .*خانواده درمانی کاربردی*، ۲(۱)، ۱۷۶-۱۵۹.

دادو، پریسا.، و دبیری، سولماز (۱۳۹۸). پیش‌بینی رضایت زناشوئی بر اساس دلزدگی زناشوئی، احساس تنهایی و عملکرد جنسی در دانشجویان متأهل. فصلنامه علوم روان‌شناختی، ۱۸(۷۶)، ۵۰۷-۴۹۹.

رحیمی بد، مرضیه.، و رضائی، آذرمیدخت. (۱۳۹۴). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس کلیشه های جنسیتی و تضاد نقش در زوجین. *دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم، تهران، ایران.*

سلطانی، اسماعیل.، شاره، حسین.، بحرینیان، سید عبدالمجید.، و فرمانی، اعظم. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای انعطاف پذیری شناختی در ارتباط بین سبک‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری با افسردگی. *مجله پژوهنده*، ۱۸(۲)، ۸۸-۹۶.

سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. *پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران.*

سیوندیان، مولود.، بشارت، محمدعلی.، حبیبی عسگرآبادی، مجتبی.، و مقدم زاده، علی. (۱۳۹۴). نقش تعدیل‌کننده استحکام من در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و سطوح سازگاری زوجین. *مجله سلامت اجتماعی*، (1)3. 41-53.

شریعت‌زاده، منیره سادات.، تبریزی، مصطفی.، و احقر، فدسی. (۱۳۹۲). اثربخشی نظریه انتخاب به شیوه گروهی بر افزایش تمایزیافتگی و صمیمیت دانشجویان متاهل، *مجله دانش و تندرستی*، ۸(۳)، ۸۹-۹۳.

شکری، آرزو.، شفیع آبادی، عبداله.، و دوکانه ای فرد، فریده. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی در رابطه بین قدرت ایگو و موفقیت شغلی. مجله *تحقیقات مدیریت آموزشی، ۱۱(۴۴)، ۱۹۴-۱۷۷.*

صدفی، الناز.، منیرپور، نادر.، و میرزاحسینی، حسن. (۱۳۹۹). تبیین روابط ساختاری رابطه کیفیت روابط ابژه‌ای و ناپایداری ازدواج براساس نقش میانجی‌گر توانمندی ایگو. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۳(ویژه نامه)، ۵۸-۵۶.

الطافی، شبنم. (۱۳۸۸). *مقایسه نفوذ قدرت و ویژگی‌های شخصیتی در افراد وابسته به مواد و افراد غیر وابسته* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده). دانشگاه شاهد، تهران.

عینی، ساناز.، نریمانی، محمد.، عطادخت، اکبر.، بشرپور، سجاد.، صادقی.، موحد، فریبا. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان شناختی- تحلیلی بر قدرت ایگو و روابط موضوعی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی. *مجله مطالعات علوم پزشکی*، ۲۹ (۱)، ۱۱-۱.

کرمی، مریم.، احمدی، صدیقه.، و قبادی، سعید. (۱۴۰۰). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس شادکامی و کیفیت زندگی در زوجین شهر تهران. فصلنامه *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۲۲(۱)*، ۱۰۲-۹۳.

کیانی چلمردی، احمدرضا.، اسدی شیشه گران، سارا.، اسماعیلی قاضی ولویی، فریبا.، و زوار، مجید. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی و اسنادهای زناشویی در افراد متال مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی شهر اردبیل. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵(۵۹)، ۵۸-۷۵.

مام صالحی، حسین.، و مرادی، امید. (۱۳۹۹). طراحی مدل پیش‌بینی رضایت جنسی بر اساس طرح‌واره‌های جنسی و تمایزیافتگی خود در زوجین. *نشریه روان پرستاری*، ۸(۱)، ۵۰-۶۱.

محبیان فر، مهران.، پیراسته، فاطمه.، حنایی، نازیلا.، احمدی پور مهدابی، فهیمه.، و کلانتریان، فرانک. (۱۳۹۸). نقش معنا داری زندگی و تعارض زناشویی در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی در پرستاران زن متأهل شهر دزفول. *اولین کنفرانس علمی بین المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی.*

نجاراصل، صدیقه.، عسگری، پرویز.، نادری، فرح.، و اسمعیل خانی، فرشته. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی آموزش مثبت نگری و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرخوردگی زناشویی، اسنادهای ارتباطی و تمایزیافتگی خود در مراجعین به مراکز روان‌شناختی شهر بهبهان. *رویش روان‌شناسی*، (۹) ۱، ۸۹-۹۶.

Amanelahi, A., Aslani, K., Tashakor, H., Ghavabesh, S., & Nekoei, S. (2012). Romantic Attachment/Love Styles and Marital Satisfaction in Women: Investigating the Relationship. *Women's Studies Sociological and Psychological*, *10*(3), 67-86.

Aspara, J., Wittkowski, K., & Luo, X. (2018). Types of intelligence predict likelihood to get married and stay married: Large-scale empirical evidence for evolutionary theory. *Personality and Individual Differences*, 122, 1-6.

Dadoo, P., & Dabiri, S. (2019). Predicting the marital satisfaction based on marital burnout, loneliness and sexual function in married students. *Journal of Psychological Science*. *18*(76), 499-507.

Jafari Soltanabadi, A., Monirpoor,., & Mirzahouseini, H. (2021). The Association of Couples' Feeling of Happiness with Differentiation of Self (DoS) and Early Object Relations with the Mediating Role of Religious Marital Satisfaction. *Journal of Applied Family Therapy*, *2*(1), 159-176 .

Jalilnasrabadsofla, K., Kadivar, P., & Sarami, G. (2020). The role of self-efficacy mediation in the relationship between attachment styles and documentary styles with student's progression. *Educational Psychology*, *16*(57), 97-118.

Karami, M., Ahmadi, S., & Ghobadi, S. (2021). Prediction of Marital Satisfaction Based on Happiness and Quality of Life in Couples in Tehran. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, *22*(1), 93-102.

Kiani Chalmari A, Asadi S, Esmaeili F, Zavar M. (2016). Prediction of marital burnout based on emotional expressivness and marital attributions in married people referring to the welfare organization in Ardabil . QJCR ,15 (59), 58-75.

Mam Salehi, H., Moradi, O., Arefi, M., & Yar-Ahmadi, Y. (2020). Mediating Role of Communication Patterns in Relationship Between Self-differentiation and Sexual Satisfaction. IJPCP , 26 (2), 154-169.

Najarasl, S., Asgari, P., Naderi, F., & Esmaeelkhani, F. (2021). Compare the Effectiveness of Positive Thinking Education, and Based on Acceptance and Commitment Treatment on Marital Disaffection, Communication Attributions and Self-Differentiation in People Visiting Behbahan city counseling centers. *Journal of Clinical Psychology*, *13*(1), 35-46.

Olson DH, & Fowers BJ. (1993). Five types of marriage: an empirical typology based on ENRICH. *The Family Journal*, 1(3),196–207.

Olson, D. H., Waldvogel, L., & Schlieff, M. (2019). Circumplex Model of Marital and Family Systems: An Update. *Journal of Family Theory & Review, 11(12), 111-129.*

Olson, D. H.; J. DeFrain & L.Skogrand. (2011). *Marriages and Families: Intimacy, Diversity, and Strengths.* New York: McGraw-Hill.

Pokorska, J. (2016). *Relationship fading in business-to-consumer context* (Doctoral dissertation, Aston University).

Rose, A., Anderson, S., Miller, R., Marks, L., Hatch, T., & Card, N. (2019). Longitudinal Test of Forgiveness and Perceived Forgiveness as Mediators between Religiosity and Marital Satisfaction in Long-Term Marital Relationships. *The American Journal of Family Therapy, 8,* 1-19.

Sadafi, E., Monirpour, N., & Mirzahoseini, H. (2020). Explaining Structural Relationships of the Relationship between Objective Relationship Quality and Marital Instability Based on the Mediating Role of Ego Power. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, *63*(Special Psychology).

Skorown, E. Friedlander, M. (1998). The differentiation of self-inventory: development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 235- 246.

Williams, A. E., Weinzatl, O. L., & Varga, B. L. (2021). Examination of Family Counseling Coursework and Scope of Practice for Professional Mental Health Counselors. *The Family Journal*, *29*(1), 10-16.

Xie, J., Shi, Y., & Ma, H. (2017). Relationship between similarity in work-family centrality and marital satisfaction among dual-earner couples. *Personality and Individual Differences, 113,* 103–108.

Zhou, Z. E., & Gong, Y. (2018). Relationship between proactive personality and marital satisfaction: A spillover-crossover perspective. *Personality and Individual Differences*, 128, 75-80.

Prediction of marital satisfaction based on psychological strength of ego and self-differentiation

Atiyeh Sadat Moosavi[1]

Abstract

The present study was conducted with the aim of predicting marital satisfaction based on the psychological strength of ego and self-differentiation. The descriptive research method was correlation type. The statistical population included all married people (men and women) with marital problems who referred to family counseling centers in Tehran in 1400. Among them, 250 people (150 women and 100 men) were selected as the research sample using available sampling method. In order to collect information, the marital satisfaction questionnaires of Enrich (1989), psychological strength of Ego Strom et al. (1997) and self-differentiation of Skorn and Friedlander (1998) were used. Data were analyzed using Pearson correlation tests and regression analysis using SPSS version 23 software. The findings of the research data analysis showed that there is a significant correlation between marital satisfaction, psychological strength of ego and self-differentiation ($P<0.001$). The results of step-by-step regression showed that predictor variables including ego psychological strength and self-differentiation can predict a total of 43% of marital satisfaction. Also, the results of the regression coefficients showed that the variables of ego psychological strength and self-differentiation ($\beta=0.34$) have a direct and effective role in predicting marital satisfaction. According to the results of this research, it can be concluded that the marital satisfaction of couples is related to factors such as the psychological strength of the ego and self-differentiation; Therefore, empowerment and educational programs aimed at increasing the psychological strength of the ego and self-differentiation can play an effective role in improving marital quality and increasing life satisfaction

Keywords: Marital satisfaction, psychological strength of ego, differentiation of self, couples

[1]. Master's degree, Islamic Azad University, Tehran, Iran. sadatatiyeh@gmail.com